

## اطلاق و تقیید جهاد در قرآن کریم و عهدین

علیرضا انصاری منش\*

کارشناسی ارشد مدرس می معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمدحسین خوانین زاده

دانشیار معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱)

### چکیده

انسان از ابتدای خلقت با مسأله «جنگ و جهاد» مواجه بوده و ادیان سه گانه یهود، مسیحیت و اسلام نیز به طور کلی آن را پذیرفته اند. عبارات عهدین اصل جهاد را پذیرفته و آیات قرآن کریم، با ارائه تقییداتی به آن تکامل کیفی داده است. مقاله حاضر با روش توصیفی تطبیقی با ابزار کتابخانه ای نگارش یافته و درصدد است بیان کند که تعابیر جنگ و جهاد در عهدین به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی و در آیات قرآن کریم با تکامل آن و افزودن قوانین بازدارنده بیان شده است. «پذیرش اصل جهاد، اهمیت و دستور به جهاد و مبارزه، نترسیدن از بسیاری دشمن، شدت عمل در جنگ در صورت لزوم و جهاد با نفس» از اشتراکات جهاد در قرآن کریم و عهدین است. «گسترده گی کیفی آیات جهاد در قرآن کریم، اقسام جهاد در قرآن، مقید بودن و مطلق نبودن فرمان به جنگ در قرآن کریم، وظایف مجاهدان در جنگ و شدت عمل در کنار بندگی و عبادت خداوند» از افتراقات و افتخارات آیات جهاد در قرآن کریم نسبت به عهدین است.

واژگان کلیدی: جنگ، جهاد، عهدین، قرآن کریم.

---

\* E-mail: aram.ansar.ali@gmail.com (نویسنده مسئول)

## مقدمه

جنگ و جهاد از ابتدای تاریخ، همدم بشر بوده است. همگام با رشد جوامع و رشد ابزار و ابعاد جنگ، از نظر کیفی و مفهومی نیز رشد داشته است. موضع گیری ادیان الهی با مسأله جنگ و جهاد در طول تاریخ، سبب تأثیر بر آن شده است. با توجه به هم‌جواری طولانی ادیان یهود، مسیحیت و اسلام و هماهنگی آموزه‌ها در راستای تقریب ادیان و هم‌فکری در مقابل مکاتب الحادی، توجه به آموزه‌های مشترک از جمله جهاد ضروری به نظر می‌رسد. در خصوص جهاد، کتب و مقالات مختلف نوشته شده، ولی هیچ کدام از این پژوهش‌ها به بررسی آیات قرآن کریم و عبارات جهادی عهدین پرداخته است. این مقاله به بررسی چگونگی فرمان جنگ و جهاد در ادیان «یهود، مسیحیت و اسلام» و بررسی مطلق یا ضابطه مند بودن آن در آیات قرآن کریم و عبارات عهدین پرداخته است. این پژوهش باروش کتاب‌خانه‌ای و رویکرد نظری و تحلیلی باکاوش در منابع اسنادی ادیان سه‌گانه و بررسی منابع و تحلیل آن می‌پردازد.

## ۱. معنا و مفهوم جهاد

## ۱-۱. جهاد در لغت

«جهاد» واژه‌ای عربی و مصدر باب مفاعله از ریشه «ج‌ه‌د» به معنای مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن است. لذا «جهاد و جهاد یعنی تلاش توأم با رنج»<sup>۱</sup> راغب نیز معنای «توان و طاقت» را تأیید کرده و تلاش، زحمت زیاد و به کار بستن توان در دفع دشمن<sup>۲</sup> می‌داند.

## ۱-۲. جهاد در اصطلاح

«جهاد بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین است و مبارزه با مشرکین یا افراد باغی بر وجهی مخصوص است»<sup>۳</sup> یکی از ابواب فقه اسلامی نیز

به همین معنا است. اهداف جهاد «دعوت مشرکین به اسلام، دفاع از مرزها، جلوگیری از استیلای کفار بر بلاد مسلمین، مبارزه با تبهکاران و قاتلین نفس، برای آزادی اسیر، مبارزه با کسانی که بر حکومت اسلام خروج می‌کنند»<sup>۴</sup> می‌باشد و مصادیق آن، جهاد اصغر، جهاد مالی و جهاد زبانی می‌باشد.

«جهاد» به معنای اصطلاحی در عبارات عهدین به کار نرفته است. ترجمه‌های قدیم و تفسیری عهدین، در کتاب‌های اشعیا<sup>۵</sup>، فیلیپیان<sup>۶</sup> و عبرانیان<sup>۷</sup> واژه جهاد مشاهده می‌شود که به معنای «جنگ و تحمل مشقت» ظهور در معنای لغوی دارد.

### ۱-۳. اهمیت جهاد

میل به جهاد و مبارزه، نوعی میل طبیعی برای رفع موانعی است که در زندگی رخ می‌دهد؛ لذا متکی به دین خاصی نیست، بلکه در هر زمان و موقعیتی دارای اهمیت می‌باشد. این اهمیت نه تنها در میان انسان‌ها، بلکه در میان گیاهان و جانوران نیز جاری است. «جهاد یک قانون عمومی در عالم آفرینش است، همه موجودات زنده جهان اعم از نباتات و حیوانات به وسیله جهاد موانع را از سر راه خود برمی‌دارند»<sup>۸</sup>. چنان که رویه حقوق‌دان معتقد است «بامطالعات داروین درباره موجودات مختلف طبیعت برای وی و دیگران این نتیجه حاصل شد که بقاء هر نوع، مدیون موفقیت آن نوع در تنازع بقاء می‌باشد»<sup>۹</sup> جهاد و مبارزه در زندگی انسان نقش اساسی دارد. اگر جهاد نبود، زمین را فساد فرامی‌گرفت و نسل بشر به خطر می‌افتاد.

### ۱-۴. تفاوت جنگ و جهاد

«جنگ» به معنای «نبرد و رزم»<sup>۱۰</sup> معادل قتال، به معنای «کشتن»<sup>۱۱</sup> و ازهاق روح<sup>۱۲</sup> شامل هر نوع نزاع با هر هدفی، فاقد بار ارزشی است. این معنای جنگ است که «افلاطون» جنگ را حاصل «فساد در مدینه فاضله» دانسته<sup>۱۳</sup> و «سیسرون» طبع شیطانی بشر را عامل

جنگ بدانند و مشروعیت آن را به-شرایطی منحصر کنند.<sup>۱۴</sup> در قرآن کریم، جنگ با قید «فی سبیل الله» همراه است و هیچ جنگی بدون تحقق آن، مشروع نیست.

«جهاد» از قتال گسترده تر است. «جهاد کوشش در دفع دشمن بوده و بیشتر بر مدافعه در قتال اطلاق می شود. گاه معنای دشمن توسعه یافته و شامل هر چیز که به انسان شر برساند؛ می شود. مانند شیطان و نفس اماره»<sup>۱۵</sup>. لذا «هر چیزی که هم تلاش باشد و هم در مقابله با دشمن باشد، جهاد است»<sup>۱۶</sup>.

### ۱-۵. پیشینه جنگ و جهاد

با توجه به همگامی جنگ و جهاد با بشر در طول تاریخ، برخی آن را حیاتی و رشد جوامع را مدیون آن دانسته اند. «هراکلیتوس» می گفت جنگ پدر همه چیز است و بذر ترقی را خلق می کند و نتیجه می گرفت جنگ عصاره تمدن است.<sup>۱۷</sup> «رومیان جنگ را مهم و ارزشمند می دانستند که خدایی به نام «مارس» به عنوان سمبل جنگ در نظر گرفتند. یونانیان خدای جنگ را «ژئوس» و مصریان قدیم جنگ را تقدیس نموده و خدایی به نام «حورس» پسر خدای «اوزوریس» برای جنگ قائل شدند.<sup>۱۸</sup> در دین یهود جنگ و جهاد از اهمیت بالایی برخوردار است. حتی ادیانی که به «صلح و عدم خشونت» معروفند نیز، به آن بی توجه نبودند. این واژه در تمام ادیان و مکاتب فکری با تعبیر گوناگون و با اهمیت فراوان آمده است.

### ۱-۶. جهاد در متون و عبارات عهد قدیم

#### ۱-۶-۱. اهمیت جهاد در متون عهد قدیم

تمام ادیان آسمانی، اساس و بنیان فکری یکسان و در برخی موضوعات و جزئیات با هم تفاوت دارند. جنگ و جهاد در هیچ یک از ادیان الهی به طور کلی مذموم نیست، جهاد در راه کیان دین داران، در تمام ادیان آسمانی یک ضرورت حتمی است. در آیین یهود،

جنگ و جهاد جایگاه ویژه داشته و تاریخ آن، شاهد نبردهایی حول قوم، سرزمین و ارض موعود است. از جمله حکم به جهاد «ملحمت حوا» جنگ مشروع و واجب یهود، برای تصرف سرزمین موعود و «جنگ مقدس» که با تعبیر «جنگ‌های خداوند<sup>۱۹</sup>» و به «جنگ آمدند<sup>۲۰</sup>» می‌باشد. دستور جهاد در عهد قدیم بسیار محکم ایراد شده و پیامبران و یهودیان را به اطاعت آن ملزم می‌کند.

### ۱-۶-۲. عبارات جنگ و جهاد در عهد قدیم

این عهد عتیق به یهود فرمان می‌دهد با «بت پرستان» جهاد کنند. جهاد با ساکنان آن زمان فلسطین که کافرانی جنگ‌جو بودند، از آن جمله است.

«خداوند، سربازان دلیر و مورد اعتماد خود را خواهد خواند تا برای جهاد مقدسی بجنگند و کسانی را که موجب خشم او شده‌اند، مجازات کند» (اشعیا ۱۳ / ۳).

این جهادها در ازای خسارت‌های فراوان، دارای نتایج مهم «سرکوب اقوام کافر، سردمداران شرک و افرادی چون بلعام بن باعور، آزمایش یهود، مجازات بنی اسرائیل و همراهی خداوند بایهود در جنگ‌ها» بوده است. «درواقع خداوند با آنها بود. اسرائیلی‌ها همه مردان مدیانی را به انضمام بلعام کشتند»<sup>۲۱</sup> از طرفی «تحمل جنگ به عنوان مجازات برای ارتکاب گناه در بنی اسرائیل و برای مدیانیان به خاطر سقوط این قوم در گناه می‌باشد»<sup>۲۲</sup>

### ۲. وظایف مجاهدان یهود در جنگ

عهد قدیم در ظاهر دستورات کاملاً خشک و بدون نرمش دارد. اطاعت محض از دستور، وظیفه یهود است و باید فرمان خداوند موبه‌مو اجرا شود. علت آن ممانعت از شرک دوباره یهود و اغوای بنی اسرائیل توسط این اقوام است.

«ساکنان آن شهر را به دم شمشیر بکش و آن را با هر چه در آن است و بهایمش را به دم شمشیر هلاک نما» (تثنیه ۱۳ / ۱۵).

«اگر کنعانیان در این سرزمین باقی می ماندند، بنی اسرائیل را فریب می دادند تا پیرو خدایان آنها شوند. همان طور که تاریخ شاهد است این کار به مراتب و بارها توسط قوم اسرائیل رخ داده است» (هیل، توماس. پیشین، تثنیه ۷ لکن با وجود هشدار موسی (علیه السلام) و تعیین مجازات سنگین، بنی اسرائیل در گناه پرستش سایر خدایان سقوط کردند و از این افراد تبعیت کردند).

### ۲-۱. نرسیدن از زیادی دشمن

قوانین کلی جنگ های خداوند که ماورای جنگیدن است، با تشویق به داشتن روحیه شجاعت و نرسیدن از زیادی نفرات و امکانات ظاهری دشمن همراه است. در تورات رها کردن کارزار به هر بهانه ای، موجب غضب خداوند و توبیخ موسی (علیه السلام) است. این قوانین به خاطر جلوگیری از مجازات دوباره یهود از طرف خداوند است.

«چون برای مقاتله با دشمن خود بیرون روی و اسبها و ارابه ها و قومی را زیاده از خود بینی از ایشان مترس» (تثنیه ۲۰ / ۱).

«موسی به بنی جاد و بنی رؤین گفت: «آیا برادران شما به جنگ روند و شما اینجا بنشینید؟» (اعداد: ۳۲ / ۶).

### ۳. نحوه برخورد یهودیان با دشمنان

دستور به مبارزه با اقوام بت پرست و شرک از ابتدای تاریخ با قاطعیت در میان ادیان الهی مرسوم بوده است. دستور به جهاد در عهد عتیق نیز، بر مبنای خشکاندن ریشه شرک و سخت گیری فراوان به دستور خداوند و پیامبران الهی است. جهاد با اقوام هفت گانه، از مصادیق جنگ آغاز گرانه واجب یا «ملحمت حوا» از آن جمله است که با افراط هایی

همراه است و گاه چهره پیامبران الهی را مخدوش می‌سازد؛ لکن اثرات مثبت فراوان برای جامعه نوپای بنی اسرائیل به ارمغان آورد.

«سنت جاری در انبیای گذشته این بود که وقتی با دشمنان می‌جنگیدند و بر دشمن برتری می‌یافتند، آنها را می‌کشتند و با کشتن آنان از دیگران زهر چشم می‌گرفتند تا کسی خیال جنگ با خدا و رسولش را در سر نپروراند. رسم آنان نبود که از دشمن اسیر بگیرند و سپس بر اسیران منت نهاده و یا پول گرفته و آزادشان سازند، مگر بعد از آنکه دینشان در میان مردم پایگیر می‌شد» (طباطبائی، ۱۳۵).

#### ۴. دلایل قتل عام‌های مذکور

سنت جاری الهی در تمام ادیان، حساسیت ویژه خداوند به شرک و مشرکین است. بنی اسرائیل نیز قوم ضعیف و سست عنصر در دین بود. «اهانت‌های بنی اسرائیل به خداوند، خروج از مسیر یهوه و پشت کردن به او، گوساله‌پرستی، پرستش مولک خدای عمونیان و سجده بر خدایان قوم موآب، فراوان است و کیفرش برای این قوم شدید خواهد بود.

«و لاشه‌های بنی اسرائیل را پیش بت‌های ایشان خواهم گذاشت و استخوان‌های شما را گرداگرد مذبح‌های شما خواهم پاشید» (کتاب مقدس، حزقیال ۶/۵).

یهود بت‌های کنعانیان را که از ساکنان اولیه این سرزمین بودند می‌پرستیدند. مکان‌های پرستش بت پرستان برفراز قله کوه‌ها بود که (مکان‌های بلند) نامیده می‌شد. خداوند یهوه دستور می‌دهد تمامی (مکان‌های بلند) نابود شده و تمام کسانی که در آنجا پرستش می‌کردند، کشته خواهند شد. در این فرمان بین یهود و دیگران فرقی نیست.

«بنی اسرائیل را بگو هر کسی از بنی اسرائیل یا از غریبانی که در اسرائیل مأوا گزینند که از ذریت خود به مولک بدهد، البته کشته شود قوم زمین او را با سنگ سنگسار کنند (همان، لاویان ۲۰/۲).

یهود در ارتباط با قوم «مولک» مرتکب گناه «قربانی کودکان در مقابل بت‌های آنان، بی‌حرمتی به یهوه، اهانت به خداوند و شکستن عهد او» می‌شود. همچنین در ارتباط با «اجنه و جادوگران» تورات همگی را گناه نابخشودنی دانسته و مجازات مرگ برای آن در نظر می‌گیرد.

«مرد و زنی که صاحب اجنه یا جادوگر باشد، البته کشته شوند؛ ایشان را به سنگ سنگسار کنید. خون ایشان بر خود ایشان است» (همان، لایان ۲۰/۲۷).

اقوام متخاصم انسان‌های شرور بوده و عادت زشت «پرسش از اجنه، اعتماد به فال‌گیر، شرارت، قربانی نمودن پسران و دختران، غیب‌گو، افسونگر، جادوگر، ساحر، رمال، مشورت با مردگان» داشتند و با این انحرافات، باید هلاک می‌گردیدند و زمین از لوث وجودشان تطهیر می‌شد. وظیفه تطهیر زمین، به دستور خداوند یهوه به قوم یهود واگذار شد.

##### ۵. جهاد با نفس در عهد قدیم

عنوان «جهاد با نفس» در عهد قدیم وجود ندارد، مضمون بسیاری از عبارات عهد عتیق، گویای توجه به مسئله مقابله با نفس است که در اسفار پنج‌گانه و دیگر کتب عهد قدیم قابل مشاهده است.

«از امر دروغ اجتناب نما و بی‌گناه و صالح را به قتل مرسان زیرا که ظالم را عادل نخواهم شمرد» (همان، خروج ۲۳/۷).

در ادیان الهی، مضامین اخلاقی فراوانی برای مقابله با سرکشی‌های نفس و راه‌های کنترل آن وجود دارد که انسان باید به مقابله با تمامی خصلت‌هایی که از مظاهر نفس می‌باشد، همت بگمارد. مانند دروغ، دزدی.<sup>۲۴۲۳</sup> دستورات مبارزه با نفس در عهد قدیم در ارتباط انسان با خالق، ارتباط با مخلوق، خانواده و نزدیکان و ارتباط انسان با خویشتن و کنترل اعضای بدن و مراقبت از زبان چشم و دیگر اعضای بدن قابل مشاهده است. از



جمله فرامینی که به «ده فرمان عهد عتیق» معروف است و اساس شریعت یهود را شکل می‌دهد.

«تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. هیچ بتی را سجده نکن. نام خدای خود را به باطل نبر... پدر و مادر خود را احترام نما. قتل نکن. زنا نکن. دزدی نکن. شهادت دروغ نده. به مال همسایه طمع نوز» (همان، خروج ۲۰/۳-۱۶).

#### ۶. اطلاق عبارات جهاد در عهد عتیق

دستورات مطلق، بی ضابطه و گاه خشک عهد عتیق و آنچه در عمل اتفاق افتاد، میزان تلفات انسانی و غیر انسانی جنگ‌های خداوند را بسیار بالا نشان می‌دهد.

«و هر آنچه در شهر بود از مرد و زن و جوان و پیر و حتی گاو و گوسفند و الاغ را به دم شمشیر هلاک کردند» (همان، خروج ۲/۶).

«پس یوشع عای را سوزانید و آن را توده ابدی و خرابه ساخت که تا امروز باقی است» (همان، یوشع ۸/۲۸).

با توجه پذیرش «سنت جاری انبیای گذشته» در قتل اقوام مشرک و «ترس از فریب بنی اسرائیل که مشرکان باید از روی زمین محومی شدند؛ کشتن حیوانات و بهایم و نیز سوزاندن شهرها و تبدیل آن به توده خرابه، هیچ وجهی ندارد. یا قوم یهود از مسیر یهوه خارج شده و به اجتهاد خود، مرتکب افراط شدند، که باید مواردی از خشم خداوند از این اقدامات موجود باشد و چنین چیزی یافت نمی‌شود. یا اینکه این افراط‌ها طبق دستور یهوه صورت گرفته است. در این صورت محتوای عهد قدیم، حداقل در این زمینه ناقص بوده و نیاز به تکامل محتوا و یا دین جدیدی وجود دارد که برای اینگونه اقدامات افراطی چاره‌اندیشی کرده و برنامه مناسب داشته باشد.

## ۷. جهاد در متون و عبارات عهد جدید

### ۷-۱. اهمیت جهاد در متون مسیحی

ظهور حضرت عیسی، صحنه‌گذاری بر آموزه‌های ادیان قبل و تکامل آن بود. خود ایشان اعلام می‌دارد:

«فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های انبیا را منسوخ نمایم. نیامده‌ام تا منسوخ کنم، بلکه تا به کمال برسانم» (همان، متی ۵/۱۷).

عبارات جهاد و مبارزه با متجاوزان همانند عهد قدیم، در عهد جدید نیز مورد اشاره قرار گرفته که به لحاظ تعداد و شدت، قابل مقایسه با دستورات عهد قدیم نیست. عهد جدید دستورات اخلاقی فراوان دارد؛ اما با جهاد و مبارزه مخالف نیست. جهاد برای ایمنی و آرامش سرزمین‌ها و استفاده از زور در مقابل ستمگران ضروری است. در مواردی که جنگ بر ضد ستم باشد، واجب هم می‌شود. به همین جهت است که ایده «جنگ عادلانه» در مسیحیت و در اندیشه آگوستین رواج یافت و توسط اندیشمندان مسیحی توسعه یافت.

«او به پادشاهان اندرز می‌دهد که برای ایمنی و آرامش سرزمین‌های خود از به کار بردن زور بر ضد ملحدان سرکش پروا نکنند» (عنایت، پیشین: ۱۳۵).

### ۷-۲. عبارات جنگ و جهاد در عهد جدید

عهد جدید به‌طور نظام‌مند از جنگ سخن به میان نیاورده و در برخی موارد به قدر ضرورت به آن اشاره دارد. ویژگی خاص دستورات جهادی عهد جدید، اشاره به اصل جهاد، در طی دستورات کلی با تعداد اندک عبارات است.

«گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی را بر زمین بگذارم، نیامده‌ام تا سلامتی را بگذارم؛ بلکه آمده‌ام تا شمشیر را بگذارم» (همان، متی ۱۰/۳۴-۳۶).

همه انسان‌ها با خدا مصالحه نکرده و توبه نخواهند کرد و بخشایش را از خدا دریافت نخواهند داشت. کسانی که در قلمرو شیطان باقی می‌مانند، با کسانی که وارد ملکوت خدا می‌شوند و ایمان به او دارند، ضدیت می‌ورزند.

«هر که جان خود را دریابد (و به جنگ نیاید) آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به خاطر من نثار کرد، آن را خواهد یافت» (همان، متی ۱۰/۳۹).

چه مبارزه با دشمنان حضرت عیسی و چه مبارزه با نفس باشد. مبارزه با دشمنان در آن بارز و آشکاراست.<sup>۲۵</sup>

«دشمنان را که نخواستند من بر ایشان حکمرانی کنم، در اینجا حاضر ساخته، پیش من به قتل رسانید» (همان، لوقا ۱۹/۲۷).

به قتل رساندن دشمنان حضرت، تأیید جهاد و مبارزه با کسانی است که ایشان را انکار و با ایشان مقابله می‌کردند. این سرنوشت کسانی است که نخواستند عیسی حاکم آنها باشد.

«هنوز در جهاد با گناه تا به حد خون مقاومت نکرده‌اید» (همان، عبرانیان، ۴/۱۲).

«ایشان هنوز برای مسیح طعم مرگ و شهادت را نچشیده‌اند. مسیحیان باید همچون انبیا و ایمان‌داران عهد عتیق دچار زحمت، جفا، شکنجه و مرگ شوند» (هیل، توماس، پیشین، عبرانیان ۱۲). در باب جهاد و شهادت در راه خدا و انبیای الهی، بر دین‌دار لازم است، که به وسیله شمشیر و کشته شدن در راه خداوند مبارزه کرده و جان خود را در راه او نثار کند.

«هر کس شمشیر ندارد، جامه خود را فروخته آن را بخرد» (همان، لوقا ۲۲/۳۶).

«شمشیر روح که کلام خدا باشد، شمشیر دفاع و حتی حفاظت یک حکومت سازمان یافته که قدرت قاضی است» (مک دونالد، پیشین، لوقا: ۱۳۶). می‌باشد. حتی اگر

به معنای شمشیر روحانی نیز باشد، در رساندن به مقصود که واژه جهاد به معنای اعم از (جنگ و یا جنگ با نفس) باشد، کافی است.

### ۸. جهاد با نفس در عهد جدید

در عهد جدید عنوان «جهاد با نفس» وجود ندارد، مضمون بسیاری از تعالیم، حول آن است. انسان موجودی با تمایلات درونی است و پیروی از نفس، منجر به درگیری و خونریزی می شود. لذا برای اصل جنگ تدبیری نیندیشیده، اما به منشأ آن اشاره شده و درصد شناساندن این تمایلات و مقابله با نفس و خشکاندن سرچشمه تمایلات است.

«از کجا در میان شما جنگ‌ها و از کجا نزاع‌ها پدید می آید؟ آیا نه از لذت‌های شما که در اعضای شما جنگ می کند طمع می ورزید و ندارید می کشید و حسد می نمایید و نمی توانید به جنگ آرید و جنگ وجدال می کنید» (همان، یعقوب ۴/ ۱-۲).

بیشتر عبارات عهد جدید با دستوراتی مبنی بر کنترل اعضای بدن مانند چشم، گوش، دست، پا و همچنین نرفتن به سوی گناه و در نهایت توبه به درگاه الهی می باشد.

«و زبان آتشی است. آن عالم ناراستی در میان اعضای ما زبان است که تمام بدن را می آلاید و دایره کائنات را می سوزاند و از جهنم سوخته می شود» (همان، رساله یعقوب ۳/ ۶).

در عهد جدید رایج ترین گناه مسیحیان، گناه زبان است که مرتکب بیشترین شرارت‌ها می شود.

«ممکن است یک انسان، در تمامی جنبه‌های زندگی از گناه دوری کند، ولی زبانی شرور داشته باشد، در این صورت حیات دینی او به زودی تلف می شود. چراکه آن عضو کوچک باعث هلاکت تمام وجود انسان خواهد شد» (هیل، پیشین، یعقوب ۳).

## ۹. جنگ‌های صلیبی در مسیحیت

جنگ‌های صلیبی از طولانی‌ترین جنگ‌های مسیحیت است که حدود دو قرن به طول انجامید. جنایات بی‌شمار در اشغال بیت‌المقدس، مورد اعتراف مورخان است. حتی روحانیان مسیحی به نقد آن پرداختند. به‌جز مسلمانان، یهودیان نیز از کشتار صلیبی‌ها در امان نماندند. «هوگو گروسوس» پدر حقوق بین‌الملل در کتاب «جنگ و صلح» می‌نویسد «در زمان وی یعنی قرن شانزدهم، ملت‌های مسیحی اروپایی در جنگ‌های خود بایکدیگر به نحوی رفتار می‌کنند که حتی بربرها نیز از آن شرم دارند»<sup>۲۶</sup> لکن افراط مسیحیان در این جنگ‌ها، منطبق بر تعالیم عهد جدید نبوده و در اندازه و شدت آن نبوده است. چراکه حضرت عیسی می‌فرماید:

«لیکن من به شما می‌گویم، هر که به برادر خود بی‌سبب خشم گیرد... مستحق آتش جهنم بود» (همان، متی ۲۲/۵).

شدت عمل مسیحیان در جنگ‌های صلیبی بر خلاف تعالیم عهد جدید بوده و می‌توان حساب این جنگ‌ها را از تعالیم جهادی عهد جدید، جدا دانست. چراکه تعلیمات عیسی «علیه‌السلام» هیچ‌گونه تناسبی با قساوت‌ها و بی‌رحمی‌ها ندارد. علاوه بر آنکه با تعالیم صلح دوستی و گذشت عهد جدید و حتی عبارات جهادی عهد جدید نیز در تضاد است. زیرا شدت این تعالیم در حد افراط‌های جنگ‌های صلیبی نیست.

## ۱۰. اطلاق عبارات جهاد در عهد جدید

در عهد جدید، دستوراتی مبنی بر جنگ با دشمنان خداوند و پیامبرش یافت می‌شود. این عبارات و مفاهیم، مطلق ذکر شده و شدت درخواست جهاد در آن، خشکی فرامین عهد عتیق و فرمان مؤکد مشاهده نمی‌شود. دستورات همچنان کلی بوده و نظام قانون‌مندی در شیوه مبارزه مشاهده نمی‌شود. حتی به قتل رساندن دشمنان عیسی و منکرین

آن حضرت، مبارزه با شمشیر و کشته شدن در راه خداوند و شمشیر دفاع هیچ کدام افراط نخواهد بود.

### ۱۱. نقد افراط‌های یهود و مسیحیت

در عهد عتیق، شدت کشتارها به دستور خداوند با از میان برداشتن اقوام بت پرست که آمیخته به انواع شرارت‌ها و فسادها بودند؛ همراه است. لکن به علت نبود ضوابط و فرامین اصلاح کننده در آموزه‌های عهد عتیق، افراط شده است.

در عهد جدید شدت و تأکید دستورات جهادی، از نظر کمی و کیفی اندک است. عدم توازن عبارات جهادی نسبت به حجم فراوان عبارات اخلاقی مشهود است. افراط در جنگ‌های صلیبی نیز نه تنها مستند به عهد جدید نیست، بلکه با تعالیم اخلاقی آن و حتی با شدت عمل عبارات جهادی در تضاد است.

عهدین در اصل جهاد دستورات مهمی دارند، لکن در خصوص میزان کشتار و حدود آن، وظایف سربازان، معنویت مجاهدان، چگونگی تعامل با اسیران آموزه‌ای وجود ندارد. باتوجه به نقص‌های فوق در مبانی عهدین، اصل تکامل ادیان و نیاز به دین کامل‌تر ضروری است. دینی که فرامین جهاد داشته باشد و برای دستورات خود ضوابط و قیودی تنظیم کرده باشد. وظیفه مجاهدان کاملاً روشن بوده و هر کس دقیقاً وظیفه خود و مقدار آن را بداند.

### ۱۲. جهاد در آیات قرآن کریم

#### ۱-۱۲. اهمیت جنگ و جهاد در اسلام

جنگ و جهاد در اسلام، بر اساس ضرورت، مجاز است. جنگ پدیده‌ای منفور و جنگ‌افروزی دنباله‌روی از شیطان است. هنگام ضرورت از جهاد و مجاهدان با عظمت یاد می‌شود. دستورات جهاد به جهت رفتار خصمانه طرف مقابل و به عنوان آخرین راه

حل و ناچاری پیش رو قرار داده شده تا عزت اسلام و مسلمین محفوظ بماند و هیچ‌گاه شدت و حدت قرار داده نشده است. رعایت انصاف در جنگ و آداب خاص جنگ، همچون (ممنوعیت شروع جنگ) برای مجاهدان الزامی است. شهید مطهری درباره نظر نهایی قرآن در دستور به جنگ یا صلح می نویسد:

«آنچه که از مجموع آیات قرآن معلوم است؛ نه طرفدار جنگ است به‌طور کلی و در هر شرایطی و نه طرفدار صلح است به‌طور کلی و در هر شرایطی. در شرایط خاصی پیشنهاد صلح می‌کند و به پیغمبر (ص) اصرار و تأکید می‌کند که از صلح و سلام نترس و مگذرو در شرایطی که معلوم شود طرف خائن است ... می‌گوید با این‌ها بجنگ»<sup>۲۷</sup>.

### ۱۳. فلسفه جهاد در قرآن

فلسفه جهاد متنوع است. گاه دفاع از آئین یگانه پرستی و مبارزه با طاغوت‌هایی است که قصد دارند یاد خدا را از خاطره‌ها محو کرده و معابد که مرکز بیداری افکار است، ویران کنند. لذا «مشرکانی که با الوهیت خداوند مخالف هستند، باید به وسیله مردان خداپرست نابود شوند و زمین از لوٹ و وجود آنها پاک گردد»<sup>۲۸</sup> گاه جهاد مظلوم در برابر ظالم است.

(اَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ) (حج / ۳۹).

«به کسانی که مورد قتال واقع می‌شدند، اذن قتال داده شده که آنها مظلوم شده‌اند خدا به یاریشان قادر است».

«جهاد مظلوم در برابر ظالم حق او است که تن به ظلم ندهد، برخیزد، فریاد کند و دست به اسلحه برد، ظالم را بر سر جای خود بنشانند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۳). لذا «برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق الهی و مردم و اگر به مردمی ستم شد، بر ارتش

اسلام است که دفع تجاوز و ستم نماید و اگر در این وظیفه خود کوتاهی نماید، مورد ملامت و سرزنش قرار می‌گیرد»<sup>۲۹</sup>.

#### ۱۴. اقسام جهاد در قرآن

«جهاد فی سبیل الله» اختصاص به جنگ با طایفه خاصی ندارد و منحصر در جنگ دفاعی نیست؛ در قرآن جنگ با گروه‌های ذیل مجاز است.

«مشرکان» در برخی آیات، مطلق است؛ اما در آیات دیگر، مقید شده که نتیجه رفتار خصمانه آنان است. «کفار» جنگ با هر غیر مسلمان است. «اهل کتاب» که راه حل نهایی، پرداخت جزیه است. «اهل بغی» گروهی که برضد حکومت و امام عادل برحق خروج کنند. «جهاد رهایی‌بخش» برای رهایی مؤمنان ناتوان و دربند ساکن در کشور غیر اسلامی است. «جهاد دفاعی» در مقابل تجاوز به مقدسات دینی، ناموس، مال و جان مسلمانان است. «جهاد مقابله به مثل» فرد یا گروهی که به مسلمانان دیگر تجاوز کرده و نوعی «قصاص» است. بیشتر جنگ‌های صدر اسلام مقابله به مثل بود. «جهاد ابتدایی» نوعی «دفاع» است گاه دفاع از آب و خاک و گاه دفاع از نفوس مسلمانان و عزت اسلام و گاه «دفاع از حق خداوند» است که «جهاد ابتدایی» بوده و والاترین جهاد می‌باشد<sup>۳۰</sup>.

وجود اقسام مختلف جهاد، نشانه شناخت دقیق روحیات انسان با برنامه‌ریزی مناسب و وضع قوانین مختلف است. گروه‌های مختلف شناخته شده و انتساب آنان به دین و التزام آنان به قوانین معین می‌شود. تکلیف مسلمانان در قبال مسلمانان داخل و خارج مشخص شده و به وظایف دینی و الهی خود عمل می‌نمایند.

#### ۱۵. آیات جهاد در قرآن کریم

در قرآن کریم، جنگ‌های بشر به حق «قتال فی سبیل الله» و باطل «قتال فی سبیل الطاغوت» تقسیم می‌شود. آیات قرآن کریم درباره دستور به جهاد و جایگاه آن فراوان است.



(وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ) (بقره / ۱۹۱).

«هر جا که آن‌ها را بیاید بکشید و از آن جا که شما را رانده‌اند، برانید شان که فتنه از قتل بدتر است و در مسجد الحرام با آن‌ها نجنگید مگر آن که با شما بجنگند و چون با شما جنگیدند بکشیدشان».

مردی از کفار به دست یکی از صحابه در ماه حرام به قتل رسید. کفار مؤمنین را تویخ کردند، خداوند فرمود: جرم فتنه در دین یعنی شرک ورزیدن از جرم قتل نفس در ماه حرام عظیم‌تر است. چرا که شما را کشتند و با شما چنین کردند. لذا در صریح آیه و تفسیر آن، مقابله به مثل با کفار به خاطر رفتار خود آنان ذکر شده است. همان‌طور که شما را کشتند، شما نیز آنها را بکشید.<sup>۳۱</sup>

(وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) (بقره / ۱۹۰).

«در راه خدا با کسانی که با شما سرجنگ دارند کارزار کنید اما تعدی نکنید که خدا متجاوزان را دوست نمی‌دارد».

در قرآن کریم، اعلان به جهاد می‌شود، اما در مقابل، فرمان می‌دهد که هرگز راه ستم را پیش نگیرید. از این رو «اسلام تنها برای این نوع هدف‌های بزرگ انسانی، جنگ را جایز می‌داند و امر جهاد را بزرگ می‌شمارد...» (سبحانی، ۱۳۸۳: ۳۲).

(إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ) (توبه / ۱۱۱).

«خدا از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را خریده به این که بهشت از آن آنها باشد در راه خدا کارزار کنند کسانی که در راه خدا می‌جنگند و کشته می‌شوند، به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست».

این آیات جهاد مجاهدان را مدح نموده و وعده زیبا داده است. در این آیه تمثیل به خرید و فروش آمده است که مؤمنین فروشنده و خریدار خداوند است. کالای مورد معامله، جان و مال ایشان و بهشت، بهای آن است. سند آن نیز تورات، انجیل و قرآن است.

### ۱۶. تقييدهای آیات جهاد در قرآن کریم

آیات جهاد در قرآن کریم با تقييداتی همراه است که تا آن شرایط نباشد، جهاد محقق نمی شود.

#### ۱-۱۶. حال قتال

(وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ) (بقره / ۱۹۰). آیه جنگ با مشرکین و کفار را اجازه داده و بیان می کند که با گروهی بجنگید که با شما می جنگند و «نبرد با افرادی الزامی شده که آنان در حال نبرد با مسلمانان باشند و این خود قید و شرطی است که در آیه وارد شده است» (سیحانی، ۱۳۸۳: ۶۳).

#### ۲-۱۶. حال قتال

جنگ با گروههایی که هیچ پایبندی به تعهدات خود ندارند، مجاز است و گروهی که به پیمان خود پایبند است؛ استثنا می شود. (كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ) (توبه / ۷) چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود بجز آنهایی که نزد مسجد الحرام با ایشان پیمان بستید. به همان اندازه که بر سر پیمانشان ایستادند، شما نیز به آن مقدار بر سر پیمانتان بایستید که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.

## ۱۶-۳. دفاع از مستضعفان

این نوع جهاد ایثارگرانه که بهترین نوع جهاد است و انسان خود را فدای کند تا دیگری زنده بماند؛ تجویز شده که مسلمان یا غیرمسلمانی زیرسلطه ستمگران گرفتار شده و قصد خلاصی از سلطه ستمگران را داشته باشند. (وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) (نسا / ۷۵). «چرا در راه خدا و به خاطر مردان و زنان و کودکان به استضعاف کشیده شده و ضعیف نگه داشته شده‌ای که می‌گویند: پروردگار را، ما را از این دیار که مردمانش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود ولی و یاور و مددکاری قرار ده، نمی‌جنگید؟».

## ۱۶-۴. ممنوعیت تحمیل عقیده

در دین و عقیده نیز اکراه و اصراری نیست. چراکه اعتقاد به یک اصل نیاز به تفکر و اندیشیدن دارد و تا دعوت به راه خداوند از راه زبانی و «جدال احسن» باشد، نیازی به قتال نخواهد بود. (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِلَا تَأْتِي هِيَ أَحْسَنُ...) (نحل / ۱۲۵). «مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن».

## ۱۶-۵. صلح بر اساس حقوق متقابل

این دستورات، دعوت مسلمانان به صلح و سازش و نه تسلیم در برابر زورگویان است که ضامن جان و مال طرفین و درخششی از سیمای انسانی اسلام است. (فَإِنْ اِعْتَرَضْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ اَلْقَوْا اِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا) (نسا / ۹۰). «پس هرگاه کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و پیشنهاد صلح کردند، خدا راهی برای شما برضد آنان نگشوده است».

## ۱۷. وظایف مجاهدان اسلام در جنگ

در اسلام، آیات جهاد فقط به صرف دستور جنگ بسنده نکرده، بلکه به مجاهدان و عوامل روحی و روانی آنان، همراه با اخلاص، مجموعه‌ای از آداب و ویژه را پی‌ریزی کرده که در جبهه اسلام باید به آن ملتزم باشند. رعایت این عوامل، علاوه بر پیروزی، در اثبات حقانیت اسلام اهمیت به سزایی دارد.

### ۱۷-۱. ثبات قدم و ذکر و یاد خدا

در میدان جهاد، زمانی که با دشمن روبرو شدید و مرگ را در چند قدمی خود دیدید، پا بر جا باشید و یاد خدا کنید. یاد خدا بودن در میدان جنگ این است که هر چه یاد خدا بیشتر باشد، پابرجایی بیشتر می‌شود و پابرجا بودن یعنی صحنه کارزار را رها نکردن. در این صورت رستگاری نصیب مجاهدان اسلام می‌شود (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (انفال / ۴۵). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر به فوجی از دشمن برخوردید پایداری کنید و خدا را فراوان یاد کنید، امید است که رستگار شوید».

### ۱۷-۲. شجاعت و نترسی

نرسیدن از زیادی نفرات و تجهیزات دشمن، انگیزه و اساس قیام پیامبران الهی در برابر طاغوت‌های زمان بود. ذکر جنگ طالوت در قرآن کریم که اگرچه شرایط نامساوی بود لکن آن‌ها به تنهایی قیام کردند؛ بر همین مبنا است. (قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ) (بقره / ۲۴۹). «آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد گفتند: «چه بسا گروه اندکی - به اذن پروردگار - بر گروه بسیاری غلبه کند، البته خدا با شکیبایان است».

### ۱۷-۳. اخلاص در عمل

از دستورات جهادی اسلام به سربازان اسلام علاوه بر مؤمنان دیگر، این است که مغرور به نعمت‌ها و عوامل مختلف دنیوی مثل ادوات جنگی و تعداد نفرات و امثال آن نشوند. (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ) (انفال / ۴۷). «از آنها نباشید که از خانه‌شان بیرون آمدند به عنوان جهاد، اما از روی مغرور شدن به نعمت‌ها و یا از روی ریاکاری، مردم را از راه خدا بازمی‌داشتند و خدا به آنچه می‌کنند، احاطه کامل دارد».

### ۱۷-۴. رعایت انضباط

اطاعت از دستورات خداوند و رسول مصداق وحدت کلمه و هر نوع نزاع و کشمکش، نیروی مجاهدان را از بین می‌برد. انضباط به اصطلاح نظامی یعنی دستور فرمانده که از طرف خداست، صددرصد و به موقع اجرا شود تا مجاهدان دچار ناتوانی نشوند. (وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ أَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) (انفال / ۴۶). «از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع بر نخیزید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود. صبر پیشه بگیرید که خدا همراه صابران است. «أَطِيعُوا» فرمان مطلق است و طاعت به سایر تکالیف تعمیم داده شده و «طاعت مطلق در همه امور واجب» است (طباطبائی، پیشین، ۹۰). این اطاعت، یک اطاعت همه جانبه در همه امور چه شرعی و چه نظامی و لازم الاجراست. لذا تخلف از آن جایز نیست. رعایات انضباط و از پیش خود کار نکردن نیز از مصادیق اطاعت است. همچنان که «اتمام حجّت به دشمن پیش از نبرد، عدم تعرض به زنان و کودکان دشمن، خودداری از شیخون و دیگر احکام جهاد» لازم الاجراست.

### ۱۸. جهاد با نفس در قرآن کریم

آیات «جهاد با نفس یا جهاد اکبر» قرب به خداوند را در مبارزه با نفس می‌داند. قرآن کریم با چند تأکید نفس انسان را بسیار مایل به شهوات می‌داند. لذا دشمن‌ترین دشمنان برای انسان، نفس خود اوست. (وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيْ اِنَّ رَبِّيْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ) (زمر/۳۲). «من خویشتن را بی‌گناه نمی‌دانم، زیرا نفس، آدمی را به بدی فرمان می‌دهد. مگر پروردگار من ببخشد، زیرا پروردگار من آمرزنده و مهربان است».

طبق صریح آیه نفس بشر «به حسب طبع، اماره به بدی و مایل به شهوات است (طباطبائی، پیشین، ۱۹۸). و «تصدیق نفس و تکیه بر هوی و هوس اول گناهان انسان»<sup>۳۲</sup> است، طبع انسان مایل به آن‌هاست و با آن مبارزه می‌شود. از این رو تمامی آیات اخلاقی و نهی‌کننده، می‌تواند تحت عنوان جهاد با نفس قرار گیرد. جهاد با نفس رابطه انسان با تعالیم الهی و هدایت او را مستحکم‌تر می‌سازد. اصولاً تا جهاد با نفس به معنی واقعی در انسان پیاده نشود، در جهاد با دشمن نیز پیروز نخواهد شد. این نوع جهاد در روایات اسلامی، از «جنگ با دشمنان» نیز بزرگ‌تر دانسته شده و به «جهاد اکبر» معروف است.

«از آیات قرآن به خوبی استفاده می‌شود که، هرگونه شکست و ناکامی نصیب ما شود، معلول یکی از دو چیز است: یا در جهاد کوتاهی کرده‌ایم و یا اخلاص در کار ما نبوده است. اگر این دو با هم جمع شود، بنا به وعده مؤکد الهی، پیروزی و هدایت حتمی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۹).

## ۱۹. تطبیق جهاد در قرآن کریم و عهدین

ادیان سه گانه یهود، مسیحیت و اسلام همگی در اصل وجود جنگ و جهاد درمقابل دشمنان متفق هستند. لکن رویکرد هر کدام از این ادیان و نتیجه‌ای که دین‌داران از آن‌ها به دست می‌آورند، متفاوت است.

## ۲۰. اشتراکات آموزه جهاد در قرآن کریم و عهدین

### ۲۰-۱. اشتراکات آموزه جهاد در قرآن کریم و عهدین

وجود دستورات متعدد و ذکر آن با تعابیر گوناگون، حاکی از اهمیت آموزه جنگ و جهاد در ادیان الهی است. همچنین دستوراتی مبنی بر جنگ و جهاد با دشمنان داده شده است (کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) (بقره/ ۲۱۶). «جنگ بر شما مقرر شد در حالی که آن را ناخوش دارید، شاید چیزی را ناخوش آرید و در آن خیر شما باشد و شاید چیزی را دوست داشته باشید و برایتان ناپسند افتد خدا می‌داند و اما شما نمی‌دانید».

همچنین در عهد قدیم در این باره مواردی مانند (تثنیه ۱۳/ ۱۵) آمده است: «خداوند، سربازان دلیر و مورد اعتماد خود را خواهد خواند تا برای جهاد مقدسی بجنگند و کسانی را که موجب خشم او شده‌اند، مجازات کند» (اشعیا ۱۳: ۳).

در عهد جدید نیز آیات جهاد قابل مشاهده است: «هر که جان خود را دریابد (و به جنگ نیاید) آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به خاطر من نثار کرد، آن را خواهد یافت» (متی ۳۹/۱۰).

## ۲۰-۲. نترسیدن از زیادی دشمن

از دستورات عهدین و قرآن کریم، دستور به داشتن روحیه شجاعت و نترسیدن از تعداد افراد یا ابزارهای جنگی دشمن است. قرآن کریم گاه به صراحت و گاه به صورت ضمنی، نترسیدن از دشمن را تأکید می‌کنند. مسلمان ولو یک نفر واحد هم که باشد باید برای خداوند قیام کند. همگی درخصوص نترسیدن از دشمن و ساز و کارهای اوست.

(قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ) (سبأ/ ۴۶). «بگو شما را به یک چیز اندرز می‌دهم دو به دو و یک برای یک خدا قیام کنید».

(...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ) (بقره/ ۲۴۹). «چه بسا گروه اندکی که بر گروه بسیاری غلبه کند، که خدا با کسانی است که پای می‌فروشند».

در متون عهد جدید عبارتی مشاهده نشد. در متون عهد قدیم، مشابه آنچه در قرآن کریم، ذکر شد، وجود دارد «چون برای مقاتله با دشمن خود بیرون روی و اسبها و ارابه‌ها و قومی را زیاده از خود بینی از ایشان مترس» (تثنیه ۱/۲۰) «خداوند به یوشع فرمود از دشمن ترس. من پیروزی را نصیب تو کرده‌ام. هیچ کدام از آنها نمی‌توانند در برابر تو مقاومت کنند» (یوشع ۸/۱۰).

## ۲۰-۳. شدت عمل در مقابل مشرکین

در قرآن کریم دستور به جهاد با مشرکین و دشمنان خداوند با شدت عمل بیان شده‌است. این دستورات اشاره به مجاز بودن جهاد در مواردی دارد که در مسیر «فی سبیل الله» است:

(فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْبَتْتُمُوهُمْ فَسُدُّوا أَلْوَابَكُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ) (محمد/ ۴) «چون با کافران روبه‌رو شدید گردنشان را بنزید و چون آنها را سخت فرو گرفتید، اسیر کنید و سخت ببندید و آن گاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیة تا آن گاه که جنگ به پایان آید».



در عهد قدیم نیز این شدت و حدّت قابل مشاهده است که شواهدی از آن نقل شد. مانند (تثیبه ۱۳/۱۵) همچین «برادر و دوست و همسایه خود را بکشد تا کفّاره گوساله پرستی باشد» (تثیبه ۳۲/۲۷). «همگی ایشان را هلاک کن و ترحم مکن» (همان ۷/۳).

همچین در عهد جدید آمده است: «دشمنان را که نخواستند من بر ایشان حکمرانی کنم، در اینجا حاضر ساخته، پیش من به قتل رسانید» (لوقا ۱۹/۲۷).

#### ۲۰-۴. جهاد با نفس یا جهاد اکبر

در آموزه‌های هر سه دین مسأله جهاد با نفس، عبارات اخلاقی و مقابله با اندیشه‌های شیطانی نفس موجود است (فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ) (زمر/۳۲) «پس کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ می‌بندد و سخن راستی را که بر او آمده است تکذیب می‌کند». در عهد قدیم عبارتی شبیه (خروج ۲۳/۷) ذکر شد. در عهد جدید نیز عبارات جهاد با نفس فراوان است: «و زبان آتشی است. آن عالم ناراستی در میان اعضای ما زبان است که تمام بدن را می‌آلاید و دایره کائنات را می‌سوزاند و از جهنم سوخته می‌شود» (رساله یعقوب ۳/۶).

#### ۲۱. افتراقات جنگ و جهاد در قرآن کریم و عهدین

##### ۲۱-۱. گستردگی آیات جهاد

در قرآن کریم آیات جهاد بسیار فراوان و متنوع است. آموزه‌های اهمیت جهاد و مجاهدان، انواع و اقسام جهاد، وظایف مجاهدان در جنگ، تقویت روحیه نظامی مجاهدان و موارد دیگر قابل مشاهده است که هم به لحاظ کمیت و هم به لحاظ کیفیت و محتوی و درون مایه قابل مقایسه با عبارات و فقرات عهدین نیست.

## ۲۱-۲. مطلق و مقید بودن فرمان به جنگ

در عهد قدیم، دستورات جنگ کاملاً مطلق بوده و هیچ قیدی در آن نیست. اشکال عمده عبارات عهد قدیم، لحاظ نکردن هیچ قیدی در دستورات جهادی است. عامل اصلی خشونت‌طلبی ملت یهود، اتکا به همین عبارات است که جز آن را به رسمیت نمی‌شناسد. این دستورات با عبارات «جهاد با نفس» در تضاد می‌باشد.

«ساکنان شهر را به دم شمشیر بده و اموالشان را جمع آوری کن» (تثنیه ۱۳/۱۵).

«همگی ایشان را هلاک کن و ترحم مکن» (همان ۷/۳).

در مقابل، عهد جدید از رفتار ملایم‌تری در برخورد با دشمنان همراه است. می‌توان مطلق بودن قتل را در این عبارت مشاهده نمود.

«دشمنان را که نخواستند من بر ایشان حکمرانی کنم، در اینجا حاضر ساخته، پیش من به قتل رسانید» (لوقا ۱۹/۲۷).

فرمان جهاد در قرآن کریم به هیچ‌وجه مطلق نبوده و مقید به رفتار طرف متخاصم است. این اصل قرآنی است که هر آیه‌ای که فرمان به قتل داده شده، مطلق نبوده و در ادامه، قید آن به صورت «نص قرآنی» ذکر شده و به هیچ‌وجه مبهم نگذارده نشده تا مسلمان تکلیف خود را بداند. لذا اگر دشمن از کردار خود منصرف شود، جهاد منتفی می‌شود (بقره/۱۹۱).

(وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ) (بقره/۱۹۱) «هرجا که آن‌ها را بیابید بکشید و از آن‌جا که شما را رانده‌اند، برانیدشان که فتنه از قتل بدتر است و در مسجد الحرام با آن‌ها نجنگید مگر آن‌که با شما بجنگند و چون با شما جنگیدند بکشیدشان».

در اسلام حتی کشتن یک کافر در صورتی مجاز است که قصد محاربه داشته باشد و الا جایز نیست. این قیودات در کشتن دشمنان، نشان می‌دهد که دین اسلام دین خشونت نیست و حتی با کافران هم سرسازش دارد. مگر اینکه قصد محاربه داشته باشند یا عزت مسلمین را زیر سؤال ببرند. از این رو دستورات جنگ و جهاد در قرآن کریم به صورت مطلق، مانند آنچه در عهدین ذکر شد؛ مشاهده نمی‌شود. همچنان که آیات جهاد با اهل کتاب مطلق نیست. بلکه تا سرحد معقولی است. شهید مطهری می‌نویسد:

«آیه می‌گوید ... بجنگید، تا سرحد جزیه دادن، یعنی اگر حاضر شدند جزیه بدهند و در مقابل شما خاضع شدند، دیگر بعد از این ن جنگی» (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

### ۲۱-۳. وظایف مجاهدان در جنگ

در قرآن کریم جهاد عبادت خداوند و پیروی از دستورات اوست؛ در کنار این بندگی «ثبات قدم، ذکر و یاد خدا، اخلاص در عمل، رعایت انضباط، فروتنی و تواضع» خواسته شده تا تکلیف لشکریان روشن بوده و در درون و نیت خود و همچنین در بیرون و در ظاهر چه رفتاری داشته باشند. این دستورات که در عبارات عهدین مشاهده نمی‌شود، از افتخارات جهاد در دین اسلام نسبت به ادیان دیگر است.

### ۲۱-۴. شدت عمل در کنار بندگی و عبادت

قرآن کریم به صدای جرقه اسبان در جنگ قسم یاد کرده (عادیات / ۲). لکن هرگاه شدت عملی مجاهدان ذکر شده، در کنار آن معنویت مجاهدان نیز فراموش نشده است. چراکه مجاهدان در کنار روحیه جنگی، روحیه معنوی و عبادی خود را تقویت کنند تا لطافت روح خود را فراموش ننمایند و خشونت به قلب و روح آنان اثر نگذارد. این تصویر زیبایی از خودنمایی معنویت در کنار عزت و ابهت اسلام است.

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ)

(فتح/۲۹) «محمد پیامبر خدا و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربان. آنان را بینی که رکوع می کنند، به سجده می آیند و جویای فضل و خشنودی خدا هستند. نشانشان اثر سجده ای است که بر چهره آنهاست. این است وصفشان در تورات و در انجیل.»

### نتیجه گیری

۱. ذکر جنگ و جهاد در قرآن کریم و عهدین، بیانگر مشروعیت آن در همه اعصار به صورت اجمالی است.
۲. در عهد قدیم دستورات جهاد با شدت عمل و به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی بیان شده است. در عهد جدید نیز همچنان مطلق بوده لکن از نظر شدت عمل، ملایم تر و نسبت آنها نیز به مراتب کمتر از عهد عتیق است.
۳. منشأ افراط یهود در جنگ ها، عبارات مطلق جهاد و نبود آموزه هایی در جهت تعدیل شدت عمل ها می باشد. افراط مسیحیان نیز مستند به عهد جدید نبوده و با عبارات عهد قدیم و تفاسیر آن مرتبط است.
۴. بخش اعظمی از معارف و آموزه های ادیان سه گانه مرتبط با جهاد با نفس است.
۵. دستورات جهاد در قرآن کریم مطلق و بدون ضابطه نبوده بلکه با حصول شرایط و ضوابط است. از این رو اسلام دین خشونت نیست و حتی با کافران هم سرسازش دارد. مگر اینکه قصد محاربه داشته باشند.
۶. وظایف مجاهدان در قرآن کریم «ثبات قدم، یاد خدا، اخلاص در عمل، رعایت انضباط، فروتنی و تواضع» است.
۷. «دستور به جهاد، نرسیدن از زیادی دشمن، شدت عمل و جهاد با نفس» از اشتراکات و «گسترده گی آیات جهاد، مقید بودن دستورات، وظایف مجاهدان و شدت عمل در کنار بندگی خداوند» از افتراقات آیات جهاد است.

۸. «جهاد در عبارات عهدین و آیات قرآن کریم امری پسندیده و مقدس بوده و تمام ادیان سه گانه بر آن تأکید دارند که در برخی جزئیات باهم تفاوت دارند. جامعیت قرآن کریم در ذکر این جزئیات و حفظ اعتدال در آن، مشهود است»

#### پی نوشت

<sup>۱</sup> قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، جلد دوم، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱).

<sup>۲</sup> راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، (بیروت، نشر دار القلم، ۱۳۶۳).

<sup>۳</sup> نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۱، (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴).

<sup>۴</sup> عاملی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد دوم، (قم، نشر داوری، ۱۴۱۰).

<sup>۵</sup> خداوند سربازان دلیر و مورد اعتماد خود را خواهد خواند تا برای جهاد مقدّسی بجهنگند و کسانی را که موجب خشم او شده اند، مجازات کند. (ر.ک؛ کتاب مقدس، عهد قدیم و عهد جدید) (انگلستان، ایلام، ۲۰۰۲م) اشعیا: ۳: ۱۳.

<sup>۶</sup> و از تو نیز ای همقطار خالص خواهش می کنم که ایشان را امداد کنی، زیرا در جهاد انجیل با من شریک می بودند. (ر.ک؛ کتاب مقدس، عهد قدیم و عهد جدید) (انگلستان، ایلام، ۲۰۰۲م) فیلیپیان ۴: ۳.

- <sup>۷</sup> هنوز در جهاد با گناه تا به حد خون مقاومت نکرده‌اید. همان عبرانیان (۱۲/۴).
- <sup>۸</sup> مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد چهارم و شانزدهم، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴).
- <sup>۹</sup> جمعی از نویسندگان. در آمدی بر حقوق اسلام، (تهران، سمت، ۱۳۶۸).
- <sup>۱۰</sup> دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، جلد پانزدهم، حرف ج، (تهران، چاپ سیروس، ۱۳۳۸).
- <sup>۱۱</sup> زهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، جلد نهم، (بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا).
- <sup>۱۲</sup> راغب اصفهانی، حسین بن محمد، پیشین، ۶۵۵.
- <sup>۱۳</sup> عنایت، حمید، بنیادهای اندیشه سیاسی در غرب، (تهران: انتشارات زمستان ۱۳۷۷). ۵۶-۵۷.
- <sup>۱۴</sup> ذوالعین، پرویز، مبانی حقوق بین الملل عمومی، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۸۳). ۳۴۶.
- <sup>۱۵</sup> طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، (قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین ۱۴۱۷). ۴۰۵.
- <sup>۱۶</sup> آخوندی، مصطفی، نیروی انسانی در سازمان دفاعی. (تهران، نشر کوثر غدیر، ۱۳۸۲). ۴۷.

<sup>۱۷</sup> جعفری تبریزی، محمدتقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، (دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰).

<sup>۱۸</sup> وهبه زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، جلد چهارم، (بیروت، نشر دارالفکر، ۱۴۱۲ق).

<sup>۱۹</sup> «و همه کسانی که در اینجا حاضرند، شاهد باشند که پیروزی با شمشیر و نیزه به دست نمی‌آید، زیرا جنگ، جنگ خداوند است و او ما را بر شما پیروز می‌سازد.» سموئیل ۱، ۱۷، ۴۷.

<sup>۲۰</sup> «شاؤل و تمامی قومی که با وی بودند جمع شده، به جنگ آمدند، و اینک شمشیر هرکس به ضد رقیش بود و قتال بسیار عظیم بود.» سموئیل ۱، ۱۴، ۲۰.

<sup>۲۱</sup> هیل، توماس. تفسیر کاربردی عهد قدیم و عهد جدید، (آمریکا، کلرادو اسپرینگز بی‌تا). (اعداد/۳۱).

<sup>۲۲</sup> تادرس یعقوب، تفاسیر الكتاب المقدس (بی‌تا). (اعداد: ۳/۳۱).

<sup>۲۳</sup> عمل به مضامین اخلاقی ادیان، گاه موجب ایجاد لذت در انسان نیز می‌شود. لکن در ادیان الهی "لذت" هدف نیست؛ بلکه ابزاری برای رسیدن به قرب و خشنودی الهی است. لذا مضامین اخلاقی، با مکاتب لذت‌گرایی و خودگرایی که لذت دروغ‌نگفتن و لذت دزدی نکردن را ترویج می‌دهند، تفاوت اساسی دارد. جامع و فراگیر نبودن، میرا نبودن از موارد نقض، توجه به یک بعد از ابعاد انسان، توجه نکردن به جهان آخرت، نبود پاسخ مستدل در هنگام تزاخم لذت‌ها، عدم

اصالت به روح، عدم توجه به حسن فاعلی عمل و صرف توجه به حسن فعلی عمل، از تفاوت های آن است.

<sup>۲۴</sup> رک. مصباح یزدی، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، (قم، زلال کوثر، ۱۳۹۴: ۳۲۵-۳۳۱).

<sup>۲۵</sup> مک دونالد، ویلیام، تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران، انجیل به روایت متی، (آمریکا، نشر نشویل ۱۹۹۵: ۷۱).

<sup>۲۶</sup> حمید الله، محمد. حقوق روابط بین المللی. (تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۳ش: ۱۳۶).

<sup>۲۷</sup> مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، جلد سوم و بیستم، (تهران، انتشارات صدرا. ۱۳۹۰: ۱۷۱).

<sup>۲۸</sup> سبحانی، جعفر، منشور جاوید، جلد چهاردهم، چاپ اول، (قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۳ش. ۲۰).

<sup>۲۹</sup> جمعی از نویسندگان، جهاد در آینه روایات، (قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت. ۱۳۸۶ش. ۱۵۳).

<sup>۳۰</sup> مصباح یزدی، محمدتقی، جنگ و جهاد در قرآن، چاپ اول، (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۳۹۴ش: ۱۲۷).

<sup>۳۱</sup> ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم. جلد اول، (بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹: ۳۸۷).



۳۲ نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد یازدهم، (بیروت، موسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق: ۱۳۹).

### منابع و مأخذ

#### قرآن کریم

ترجمه کتاب مقدس. *عهد قدیم و عهد جدید*. (۲۰۰۲م). چاپ سوم. انگلستان: انتشارات ایلام.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. جلد اول. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ازهری، محمد بن احمد. (بی تا). *تهذیب اللغة*. جلد نهم. چاپ اول. بیروت: احیاء التراث العربی.

آخوندی، مصطفی. (۱۳۸۲ش). *نیروی انسانی در سازمان دفاعی*. تهران: کوثر غدیر.  
تادرس یعقوب. (بی تا). *تفاسیر الکتاب المقدس*. تفاسیر العهد القدیم و العهد جدید. شبکه الكنیه.

(<http://www.arabchurch.com/commentaries/tadros/>)

تقی زاده اکبری، علی. (۱۳۸۶ش). *جهاد در آئینه قرآن*. جلد اول. قم: زمزم هدایت.  
توفیقی، حسین. (۱۳۸۱ش). *آشنایی با ادیان بزرگ*. چاپ پنجم. تهران: سمت.

جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۰ش). *حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*. خدمات حقوق-بین المللی جمهوری اسلامی.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۶۸ش). *درآمدی بر حقوق اسلام*. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. تهران: سمت.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶ش). *جهاد در آئینه روایات*. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی. زمزم هدایت.

- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. چ اول. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حمید الله، محمد. (۱۳۷۳ش). *حقوق روابط بین‌المللی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۸ش). *لغت‌نامه*. جلد پانزدهم. حرف (ج) جمرات - جیحون. تهران: چاپ سیروس.
- ذوالعین، پرویز. (۱۳۸۳ش). *مبانی حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۳ش). *مفردات الفاظ القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار القلم.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳ش). *منشور جاوید*. جلد چهاردهم. چاپ اول. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد چهارم، نهم و نوزدهم. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عاملی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. جلد دوم. چاپ اول. قم: داوری.
- عنایت، حمید. (۱۳۷۷ش). *بنیادهای اندیشه سیاسی در غرب*. تهران: انتشارات زمستان.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. جلد دوم. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴ش). *جنگ و جهاد در قرآن*. چاپ اول. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ش). *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*. چاپ پنجم. قم: زلال کوثر.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰ش). *مجموعه آثار*. جلد سوم و بیستم. تهران: انتشارات صدرا.

- مک دونالد، ویلیام. (۱۹۹۵م). *تفسیر کتاب مقدس برای ایمان داران*. انجیل لوقا. توماس نلسون. آمریکا: نشر نشویل.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۹۵م). *تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران*. خروج. توماس نلسون. آمریکا: نشر نشویل.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. جلد چهارم و شانزدهم. چاپ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد ۲۱. چاپ هفتم. بیروت: إحياء التراث العربی.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. جلد یازدهم. چاپ اول، آل‌البت.
- وهبه‌زحیلی، (۱۴۱۲ق). *آثار الحرب فی الفقه الاسلامی*. جلد چهارم. بیروت: دارالفکر.
- هیل، توماس. (بی‌تا). *تفسیر کاربردیه و عهد جدید*. ترجمه آرمان رشدی. ویرایش ساروخاچیکی. آمریکا: کلرادو اسپرینگز.

1. <https://www.razgah.com>
2. <http://www.zamane.info/category>.
3. [http://www.muhammadanism.org/farsi/English/english\\_default.htm](http://www.muhammadanism.org/farsi/English/english_default.htm).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی